# ب) عدم تقریر تعجب راوی توسط امام ع

«قرر الراوی»؛ حضرت فرمودند راست می‌گویی «لایجزی صوم التطوع». اما آیا واقعاً به این صورت است که حضرت تعجب او را تقریر کردند؟! زهری راوی معروف اهل‌سنت است، یکی اشکالی به امام می کند و حضرت به او جواب می‌دهند. مگر حضرت تعجب و اشکال او را تقریر کردند؟! کجا تقریر کردند؟! جلوتر عرض کردم که حضرت با تعجب او ممانعت کردند. ممانعت به این معنا است که نگفتند داری راست می‌گویی. بلکه گفتند من این را طوری توضیح می‌دهم که اجازه برای تو ایجاد مشکل نکند. نکته‌ای که بسیار مهم است، اشکال بیجای زهری است. چرا اشکال او خیلی بی جا بود؟ امام علیه‌السلام چه فرمودند؟ ما در همین باب وسائل که مشغول بودیم ابتدا دو روایت را خواندیم. بعد روایت دوازدهم از همین باب پنجم را خواندیم که برای روایت ابن خالد بود. الآن هم که مرحوم شیخ مطرح کردند، روایت چهارم و هشتم است. روایت زهری روایت هشتم از باب پنجم وسائل است.

> **عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه[1]**

**«... فقلت له»؛** اگر قبلاً یک ماه شعبان را گرفته –همانی که مفید فرمودند- فبها، اما اگر قبلش روزه نگرفته خب چه کار کند؟

**«جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟»؛** کل شعبان را افطار کرده و حالا به سوم الشک رسیده چه کار کند؟ روزه که ادامه نداشته است. حضرت به او یاد می‌دهد و بعد شروع می‌کند به اشکال بیخودی کردن. حالا شما در جواب امام خوب دقت کنید و ببینید اشکال او درست است یا نه. حضرت فرمودند:

**«قال: ينوي ليلة الشك»**؛ وقتی سوم الشک فردا است، شب لیله الشک نیت می‌کند، **«أنه صائم من شعبان»**؛ من ماه شعبان را روزه می‌گیرم. خب بعد چه؟ **«فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه»**؛ اگر بعد معلوم شد که ماه مبارک بوده از او مجزی است.

**«وإن كان من شعبان لم يضره»؛** طوری که نشده، ماه شعبان را روزه گرفته و کار حرامی هم که انجام نداده است. **«لم يضره»؛** یعنی کار حرامی نکرده است.

**«فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟»؛** این اشکال پوچ بیخودی چیست که از محضر امام پرسیدی؟! حضرت فرمودند نیت شعبان بکن، اگر از رمضان مجزی است، یعنی چه؟ همانی که بعداً خودشان جواب میدهند. یعنی تطوع نبود، تخیل تطوع بود. تو خطأ در تطبیق کرده بودی، گفتی شعبان، برای اینکه به ماه شعبانی که هنوز ثابت نشده نچسبانی. پس **«ان كان من شهر رمضان اجزأ»؛** یعنی اجزأ انه من باب صوم رمضان و تبین انه لم یکن تطوعا. اصل عبارت امام این را میگوید. اجزأ به همان معنای کفایت است. درست است که تو نیت را نداشتی و شک کردی، اما حال «ظهر انه لم یکن تطوعا». او میگوید «کیف یجزی صوم تطوعا»، صوم تطوع را فرض گرفته و بعد میگوید «کیف یجزی». امام میفرمایند تطوع نیست. اگر از ماه مبارک بود، ظهر انه لم یکن تطوعا، لا انه کان تطوعا لکنه یجزی. اصلاً اشکال او اشکال درستی نبود. لذا امام هم به او جواب دادند. عبارت امام خیلی روشن است. چرا تو حرف چرت میزنی؟! اصلاً اینجا جای این قاعده نیست. حضرت برای او توضیح میدهند تا مهدّ ذهن او بشود تا این اشکالات شبه کلاسی فقهی را نکند.

> **24:41**

**«قال: ولو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا»؛** اگر فرض بگیریم که تطوعا روزه بگیرد، این تطوع یعنی صوم شهر رمضان مستحب است یا واجب است؟ واجب است. اما چرا او تطوعا میگیرد؟ چون نمیداند. اگر بداند که نیت نمیکند. چون نمیداند نیت تطوع کرده. این تخیل تطوع است یا واقعاً تطوع است؟ تخیل تطوع است. خطأ در تطبیق است.

**شاگرد**: نیت او هم تخیل تطوع بوده؟ یا واقع تخیل تطوع بوده؟

**استاد**: از «لایدری» متمشی می شده. ماه مبارک است اما او نمیداند. نیت میکند مستحب را. الآن چون واقعاً ماه مبارک است، نیت او از باب خطأ در تطبیق است؟ به خیالش می رسیده که این ماه مبارک نیست. نیت تطوع کرده. شبیه آن در ظهر و عصر است که میگفتند خطأ در تطبیق کرده. در فتاوای متاخرین زیاد بود.

**«وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه»؛** چرا؟ بخاطر اینکه از باب اجزاء تطوع از فریضه نیست، **«لان الفرض»**؛ یعنی آن چه که واجب است، **«إنما وقع على اليوم بعينه»؛** بدون اینکه تطوع، او را از فرض مجزی بکند. این خودش همان روزه واقعی است عند الله. او تطوع را تخیل میکرده. ببینید عبارت حضرت و جواب ایشان کاملاً روشن است. این «وقع» هم «وقع» قهری عند الله است. او فقط خیال میکرد، بعد میفهمد که واجب بوده.

این روایت است؛ مرحوم شیخ فرمودند «قرر الراوی»، درحالیکه حضرت تقریر نکردند. با جوابی که دادند گفتند اشکال تو بیخودی است. بحث ما این بحث نیست که ما یک تطوع محققی داریم که مجزی است.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۴

---

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 11:00:41 توسط ... .

به روزرسانی شده 25 مه 2026 11:02:56 توسط ... .